



راهبردهای تبلیغی
در فرهنگسازی
افزایش جمعیت؛
حجت الاسلام والمسلمین
محسن عباسی ولدی



ستاد مردمی ایران جوان

حرکت مردمی گفتمانی فرهنگی افزایش جمعیت

مسئله‌ی نمای جوان برای کشور یک مسئله‌ی اساسی و مهم و تعیین کننده است. فرهنگ سازی در این مسئله مثل خیلی از مسائل دیگر اجتماعی، حرف اول را میزند؛ باید فرهنگ سازی بشود که متأسفانه امروز این فرهنگ سازی نیست، تعطیل است. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با

انضای همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه ۹۲/۸/۶

این مسئله‌ی افزایش نسل و اینها جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه‌ی مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره‌ی آن فرهنگ سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقمها برسیم. بیانات رهبر معظم

انقلاب در دیدار کارگزاران نظام ۹۱/۵/۲

بسته تبلیغی جمعیت ویژه طلاب علوم دینی، مبلغین و ائمه جماعات مساجد

شعبان المعظم سال ۱۴۳۵ هجری قمری

راهبردهای تبلیغی در فرهنگ سازی افزایش جمعیت؛ حجت الاسلام والمسلمین محسن عباسی ولدی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

آدرس دبیرخانه: مشهد مقدس، خیابان امام خمینی (ره)، بین ۴۸ و ۵۰، پلاک ۹۰۲، تلفن: ۸۵۵۸۰۱۴-۰۵۱۱

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۳۳۰۰۱۳۹۲

پست الکترونیک: iranejavan@chmail.ir

سخنرانی حجت الاسلام محسن عباسی ولدی در همایش تبلیغ و جمعیت^۱

خداوند را شکر می کنیم خیلی هم باید شکر بکنیم یک همایشی برای تبلیغ جمعیت، بعد از دو سال از بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با تکلیف اهل منبر، بعضی ها میگویند سه سال، سه سال از بیانات ایشان در رابطه با جمعیت می گذرد چون در سال ۹۱ اهل منبر را تکلیف کردند که درباره این مسئله صحبت کنند. خدا را شکر می کنیم که بعد از دو سال شد بعد از بیست سال نشد. حالا این تاخیر دو ساله، (با تخفیف) و الا از همان ابتدائی که ایشان در سال ۹۰ این مسئله را مطرح کردند یک ماه بعدش نهایتاً باید این همایش برگزار می شد. حالا کسانی که با تاخیر این کارها را انجام می دهند حتماً توجیه دارند برای خودشان ما را هم که در قبر آنها نمی گذارند انشاءالله که امروز من بتوانم سخنرانی کنم و درد دل نباشد. زیرا از وقتی که بنا شده ما اینجا صحبت کنیم تا الان، خیلی زیاد به خودم دارم فشار می آورم که درد دلم را به شما نگویم، حرفهایم را در حوزه تبلیغ جمعیت بزنم ولی به نظر می رسد که یک مقداری از آن از دست بنده خارج شود. دوستان، بحث جمعیت یکی از اصلی ترین آثار تبلیغی اش، نگاه تک بعدی به آن است. واقعا جمعیت و بحث آن از مقوله های پیچیده ای است که مسائل مختلفی با آن درگیر می شود و به معنای حقیقی کلمه، ما روز

۱. قم موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)

و شب باید شکر کنیم که رهبر فرزانه و حکیمی داریم که این قدر دقیق، ریز بینانه و همه جانبه به مسائل نگاه می کنند.

شما وقتی سیاست های کلی جمعیت که در این دو، سه روز اخیر از جانب مقام معظم رهبری به روءسای سه قوه و مجمع تشخیص ابلاغ شد نگاه می کنید، در این چهارده بند این سیاست ها دقت می کنید، به معنای واقعی آن کلمه، آن نگاه کلان، همه جانبه نگر، دقیق، عمیق و پر از حکمت را در این سیاستها می بینید. درست است این سیاستها به روءسای سه قوه و مجمع تشخیص ابلاغ می شود که به هر حال یک جایی، آرشیوی چیزی باید اینها انجام بگیرد، حالا کی عمل بشود که انشاءالله به دعای خیر همه اهل دل اتفاق بیافتد. ولی برای ما به عنوان مبلغین مسئله جمعیت، آن سیاستها واقعا باید مد نظر قرار گرفته بشود. من یازده تا نکته اینجا آورده ام در بحث تبلیغ و جمعیت که باید مد نظر گرفته شود تا این جورچین (که حالا پازل اصطلاح لاتین آن است) این پازل جمعیت در تبلیغ به صورت کامل به آن توجه بشود. من معتقد هستم به هر کدام از این قطعه ها که توجه نشود، مسئله تبلیغ جمعیت دچار تنش می شود.

مسئله جمعیت، مسئله ای است که کاملاً متأثر از سبک زندگی است

نکته اول: بدون هیچ بحثی فکر می کنم همه این را می پذیرند که مسئله جمعیت، مسئله ای است که کاملاً متأثر از سبک زندگی است، من اصلاً نمی توانم ناراحتی خودم را از کم توجهی به بیانات مقام معظم رهبری در فضای جبهه انقلابی و ولایت مدار پنهان کنم. وقتی مقام معظم رهبری در جمع جوانان استان خراسان شمالی درباره سبک زندگی صحبت کردند و این قدر ریز ابعاد مختلف زندگی را از آشپزی گرفته تا بحث



جمعیت تا بحث هدف زندگی مطرح کردند، واقعا آدم منتظر بود یک اتفاق ویژه ای در بحث سبک زندگی در حوزه تبلیغ بیفتد، آن هم به عمقی که ایشان به بحث سبک زندگی پرداختند.

سبک زندگی ما عوض شده است، در سبک زندگی جدید بحث جمعیت، یک غربیه به تمام معناست. در سبک زندگی جدید که رفاه و اصالت رفاه حرف اول را می زند، در سبک زندگی جدید که تجمل یک جایگاه ویژه ای برای خودش پیدا کرده است، در سبک زندگی جدید که تحصیلات خانمها، آن هم تحصیلات کلاسیک در رتبه اول دغدغه ها قرار گرفته است، در سبک زندگی جدیدی که اشتغال خانمها به عنوان یک ارزش و نماد پیشرفت فرهنگ متعالی دارد معرفی می شود، در این نوع سبک زندگی حرف زدن از سه تا چهار تا بچه چه معنائی دارد. خانمی که شاغل است یک پایش سر کار است و یک پایش در خانه است، خانمی که یک پایش در دانشگاه است و یک پایش در خانه است در این سبک زندگی، حرف زدن از چهار تا بچه یعنی چه؟ در بعضی از شهرها یک چیزی در حدود ۶۰ درصد از کارمندا خانم هستند. کارمند کجاست؟ کارمند بانک، کارمند اداره آب و فاضلاب، کارمند اداره برق، کارمنداى رسمی و دولتی هستند نه منشی های دکترا و نمیدانم شرکت ها، شما در این نوع سبک زندگی، وقتی مادری کردن در حاشیه قرار می گیرد، وقتی ارزش خانه داری پائین می آید، زن خانه دار زن عقب مانده معرفی می شود، شما در این فضا چگونه می توانید مادر یا بهتر بگوییم که زن را متقاعد کنید که بچه بیشتری بیاورد؟

تعارف نداریم، واقعیتها را باید گفت. این نحو از سبک زندگی بویژه در حوزه خانمها به آن جمعیتی که ما مدّ نظرمان هست تناسب ندارد. ما باید در حوزه های تبلیغی خودمان به معنای واقعی کلمه، سبک زندگی را با استدلال، با منطق، با دلائلی که مردم را دچار هم ذات پنداری می کند زیر سؤال ببریم.





مقام معظم رهبری، صراحتاً فرمودند: ما بعد از انقلاب در سبک زندگی، پیشرفت قابل توجهی نداشتیم و این یک واقعیت است. دور و بر خودمان داریم می بینیم. وقتی که بحث جمعیت را مطرح می کنیم، یکی از مباحثی که به صورت جدی مطرح می شود بحث آپارتمان نشینی و ارتباطش با جمعیت است. مقام معظم رهبری در بحث سبک زندگی فرمودند: آپارتمان نشینی چه قدر ضرورت دارد و چه الزاماتی دارد؟ شما بروید و بگردید ببینید بعد از این سؤال ما چند تا سخنرانی، چند تا منبر، چند برنامه رسانه ای رفتیم درباره ضرورت آپارتمان نشینی! آری یا خیر؟

شیوه زندگی آپارتمان نشینی با جمعیت زیاد در تعارض است. آن موقع شما بگذارید شیوه آپارتمان نشینی و سختی بچه های زیاد را در زندگی آپارتمانی، در کنار اصالت رفاهی که در سبک زندگی جدید وجود دارد. اینها، این دو تا با هم ازدواج می کنند، بچه شان می شود بی بچه گی یا کم بچه گی. ما درباره سبک زندگی و ابعاد مختلف آن باید بحث کنیم. فکر نکنید صحبت کردن درباره جمعیت فقط به این است که ما برویم به مردم بگوئیم: مردم! بچه زیاد بیاورید، مردم ما از حد جانشینی آمده ایم پائین، مردم سالمندی جمعیت فلان عواقب را دارد، این ها هم هست. بنده به عنوان کسی که هم در رادیو، هم در تلویزیون، و هم در عرصه مجازی و هم در رسانه مکتوب به نام کتاب این کار را کرده ام، لازم است باید مردم هوشیار بشوند، اما کافی نیست. واقعاً انسان منتظر بود بعد از آن بحث عمیقی که درباره سبک زندگی مطرح شد یک تحولی در تبلیغ جامعه ما اتفاق بیفتد که نیفتاد.

گاهی اوقات من برنامه های رسانه را رصد می کردم، می دیدم و حرص می خوردم از این که چرا اینها آمده اند سبک زندگی را بگویند؟ سبک زندگی را مطرح می کردند: بله! نمیدانم مستحب است پنج شنبه ها، جمعه

ها ناخن بگیرد. این شده است سبک زندگی! با پای راست بروی با پای چپ بیایی، با پای چپ بروی با پای راست بیایی! اینها جز سبک زندگی دینی می باشد. ولی مقام معظم رهبری جمله ای بسیار عمیق فرمودند: «سبک زندگی تابع تفسیر ما از زندگی است» خیلی عمیق است! من در یک جا دیدم روی این پل های عابر پیاده در کمربندی اصفهان رو به روی سپاه آدرس بدم رفتید ببینید! دیدم این را زده اند روی پل عابر پیاده! نمیدانم آن کسی که این را نوشته بود به عمقش پی برده بود که نوشته بود؟ یا همین طوری انتخاب کرده بود!! خیلی جمله عمیق است. نوع نگاه ما به زندگی عوض شده است. اصالت ها و فرع ها جابه جا شده اند. عیبی ندارد که خودمانی صحبت کنیم. من بی تعارف صحبت می کنم! گاهی اوقات بی تعارف صحبت کردن هامن باعث می شود جلسه سخنرانی مان آخرین جلسه اش باشد! اشکالی ندارد! ما در زندگی طلبه هایمان هم که می رویم می بینیم این اتفاق افتاده است. ما در زندگی بعضی از طلبه ها هم که وارد می شویم می بینیم تفاوتی با زندگی معمول مردم ندارد! خب بالاخره این سبک زندگی اسلامی در ظاهر تفاوت دارد با سبک زندگی معمولی که الان وجود دارد و همه هم می دانیم. تفاوت آن در این است که در این خانه مثلا دروغ نگویم اما تیپ و ترکیب خانه ام مثل یک خانه معمول جامعه باشد سبک زندگی من می شود اسلامی؟ من الان نمی خواهم درباره ی ابعاد مختلف سبک زندگی صحبت بکنم ولی می خواهم بگویم که باید به همان عمق و جامعیتی که مقام معظم رهبری بحث سبک زندگی را مطرح کردند، ما هم مطرح کنیم و این به صورت مستقیم در بحث جمعیت دخالت دارد این نکته اول.

بحث جمعیت یک نسبت کاملاً مستقیم با بحث ازدواج و کاهش سن ازدواج دارد



نکته دوم: بحث جمعیت یک نسبت کاملاً مستقیم با بحث ازدواج دارد. طبق آخرین آمار متوسط سن ازدواج پسرها در کشور شیعه ایران ۲۸ سال است که این متوسط را روستائیان و اهل سنت پائین آورده اند. یعنی در کلان شهرهای ما متوسط سن ازدواج بالای ۳۰ سال است. این در کل دنیا پذیرفته شده است جامعه ای که سن ازدواج جوانانش بالا می رود، جمعیتش، نرخ رشد جمعیتش، کاهش پیدا می کند، حالا دلیلش را هم برایتان می گویم. دوستان همایش ملی تغییرات جمعیتی از همین موسسه خدمت مقام معظم رهبری رسیدند، ایشان یک جمله فرمودند: سن ازدواج باید بیاید پائین و بعد فرمودند: مگر یک جوان هفده ساله، هیجده ساله، نوزده ساله نیاز به اطفاء غریزه جنسی ندارد.

در خود ما بچه مذهبی ها الان یک پسر هیجده نوزده ساله بیاید به پدرش بگوید که من زن می خواهم، خیلی از بچه های مذهبی میگویند برو هنوز دهننت بوی شیر می دهد .

آقا بیائید جلسه تشکیل بدهید. ولی فقیه ما سن ازدواج را زیر بیست سال مشخص کرده است، چکار کنیم مردم دغدغه دارند، می گویند: بچه ها اگر زود ازدواج کنند زود طلاق می گیرند! خب تربیت بچه ها اگر مشکل دارد راهکار بدهیم و بنشینیم فکر کنیم برای اینکه بچه ها زودتر برای ازدواج آماده بشوند.

متوسط سن ازدواج دخترها بیست و سه و نیم شده است، خب باز هم ازدواج اهل سنت و روستائی ها این متوسط را پائین آورده است در حالی که در کلان شهرها و شهرهای بزرگ ما بالاتر از این است.

من الان یک دودوتا چهارتا می کنم بینید این سن ازدواج چقدر به صورت مستقیم با جمعیت درارتباط است. هنگامی که خانم در بیست و سه و نیم سالگی ازدواج می کند که متوسط کلان شهر آن دو سال بیشتر از این است، یعنی بیست و پنج سالگی ازدواج می کنند، یک رسم و یک فرهنگی را در جامعه تزریق کرده اند که



معمولا سه سال، چهار سال بعد از ازدواج را می گویند بچه دار نشوید معروف است که آقا خوشیتان را بکنید خلاصه عروس و دامادید بروید گشت و گذارهایتان را بکنید بعد بچه دار شوید! خب اولین بارداری غالبا سن ۲۸ و ۲۹ است! خب بعد از این مسئله یک فرهنگ دیگری را داخل جامعه ما انداخته اند که فاصله سنی دوتا بچه باید به گونه ای باشد که دیگر این بچه از آب و گل درآمده باشد! الان خیلی ها فاصله سنی شان را شش سال راحت می گذارند. هفت، هشت سال و نه سال هم داریم! خب بچه اول ۲۸ و ۲۹ سال، بچه دوم ۳۳ و ۳۴. سریع پزشک ها وسط می آیند و می گویند اگر بعد از ۳۵ سال باردار بشوی بچه منگل میشود!!! ایشون هم دست و پایش می لرزد و دیگر بچه دار نمی شود! نهایتا دوبچه. خب ما وقتی سن ازدواج را نیاوریم پائین چطور می توانیم به حد جانشینی برساییم؟ گرچه حرف مقام معظم رهبری بیش از حد جانشینی است این هم فهم نشد.

ما گاهی اوقات در تبلیغات می بینیم که مردم تشویق می شوند، آنهایی هم که مردم را تشویق می کنند به دو تا بچه! تشویق می کنند. در حالی که من این را در رادیو هم ثابت کردم. با توجه به نرخ ناباروری بالا که حدود سه میلیون زوج، با توجه به قشر غیر مذهبی ما که بسیاری شان به هیچ وجه به بیش از یک فرزند حاضر نمی شوند، با توجه به آن کسانی که عقیقه شان کردیم و دیگر نمی توانند بچه دار بشوند، حداقلش، بقیه باید چهار تا بچه بیاورند تا بشود به نرخ جانشینی برسیم!

کجا دارید مردم را تشویق می کنید که آقا به یکی بسنده نکنید به دوتا. ما نابارورها را در نظر نگرفتیم، کسانی که بالای ۳۵ سال می خواهند برای بچه دوم اقدام بکنند و این فضای سنگین تبلیغاتی برای اینها وجود دارد که بنده درباره اش صحبت خواهم کرد انشاءالله این ها را در نظر نگرفتیم.





یک قشری که قابل توجه هستند بالا شهری های ما هستند که چندان به این حرفها اهمیت نمی دهند، آنهایی که رفاه برایشان حرف اول و آخر را می زند، اینکه آینده مملکت چه می شود و فلان و از این جور حرفها برایشان مهم نیست. اینها را هم در نظر نگرفتیم، من گاهی اوقات می گویم برای اینکه بدانیم وضعیت جمعیت در جامعه ما آینده اش چگونه خواهد بود ابتدا به خودتان نگاه بکنید!

ما طلبه ها گاهی اوقات که با یکدیگر صحبت می کنیم و همچنین با برادران بسیجی که صحبت می کنیم می گویند حاج آقا زندگی خداییش سخت شده است حالا آقا فرمودند و ما گفتیم از تو به یک اشاره از ما به سر دویدن ولی دیگه نه این جور. ما هستیم بگویند بیا فلانی را مثلاً این سران فتنه را حنجره شان را بجوید، می جویم، بروید فلان مجلس را تعطیل کنید، می رویم تعطیل می کنیم، بگو آن خانه فلانی را روی سرش خراب کنید، هستیم! اما خداییش تا یک جائی دیگر، با ما مدارا کنید.

این وضعیتی است که به هر حال ما در فضای مذهبی خودمان در این سه سال حرکت قابل توجهی ندیدیم. درست است که نرخ موالید $3/5$ درصد بالا رفت، ولی حالا این جوری هم نیست که کل این $3/5$ درصد گفته باشند لبیک. بالاخره تحلیل آمارها یک مقدار باید دقیق انجام بگیرد.

جمعیت با استحکام در زندگی مشترک و پائین آمدن آمار طلاق یک نسبت مستقیم دارد

نکته سوم: نکته بعدی زندگی مشترک است. من نمی دانم شما را به چه کسی قسم بدهم ولی خواهش می کنم، به جان فرزندان خودتان قسم، به جان بچه های من حالا برای خودم عزیزند حالا به یک نفر! هر کسی که شما قبول دارید قسم می دهم در این منبرها، در این سخنرانی ها بحث خانواده را در اولویت قرار دهید.

طلاق در جامعه ما به حد هشدار رسیده است!! از حد هشدار رد شده است! این در کل دنیا یک مسئله قبول شده است. میزان استحکام زندگی مشترک در جمعیت موثر است. ببینید شما از بسیاری از خانم ها و آقایان می پرسید چرا بچه دار نمی شوید می گویند که ما هنوز با خودمان به نتیجه نرسیده ایم. این یکی هم که آمده است پشیمانیم! برای این که ما هر روز باهم دعوا داریم. امروز او میگوید طلاق، فردا من می گویم طلاق، پس فردا هر دمان می گوییم طلاق، یک روز هم باهم حالا یک اشاره و یک نگاه مهربانانه ای داریم! ما اصلا دچار مشکل هستیم!

من یک آمار از طلاق به شما بدهم، یک مقداری توجه داشته باشید که ما در همین سال گذشته، سال ۹۲ در یک روز ۴۳۵ طلاق در جامعه مان ثبت شده است، یعنی ساعتی ۱۸ طلاق، یعنی ۱۰ دقیقه ۳ طلاق در جامعه ما ثبت شده است!!! به ازای هر صد ازدواج در جامعه ما حدود ۲۰ طلاق ثبت شده است. در کلان شهر ما، در بزرگ ترین کلان شهر ما تهران در سال ۹۱ به ازای هر صد ازدواج ۳۷ طلاق ثبت شده است! می دانید این یعنی چه؟ ۳۷ طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج. در شمیرانات ما به ازای هر صد ازدواج ۵۹ طلاق ثبت شده است.

تقریباً آمار طلاق عاطفی دو برابر طلاق رسمی است! اینها آمار طلاق رسمی بود که خدمتان عرض کردم. یادتان نرود من بحث جمعیت را دارم عرض می کنم! اگر شما در بحث جمعیت حواستان به این حرف ها نباشد در تبلیغ نمی توانید موفق باشید!! ما باید انقلابی در حوزه به پا کنیم مردم به پای منبر های ما که می آیند و بعد به خانه شان می روند باید بدانند چگونه زندگی می کنند؟ مقام معظم رهبری در سومین سلسله از نشست های راهبردی که با موضوع زن و خانواده برگزار شد فرمودند: خانواده در حکم سلول جامعه است،



اگر سلول جامعه سالم شد نه اینکه نتیجه اش سالم شدن جامعه است نه سلول که سالم شد یعنی اندام سالم است، چون اندام چیزی غیر از سلول هانیست! محور حرکت های تبلیغی ما باید خانواده باشد، هنگامی که خانواده مستحکم نیست، هنگامی که خانواده تزلزل دارد، زن و شوهر رغبت ندارند به بچه دار شدن. دلشان خوش نیست اینها آن چیزهایی است که دارد در بحث جمعیت فراموش می شود. بنده به عنوان یکی از اولین نفراتی که در رسانه فریاد این را زده ام، کتابش را هم نوشته ام، در تلویزیون هم برنامه داشتم. همین حرف ها را میزنم! نگویند این آمده ما را دلسرد بکند! نخیر! یک جمله ای مقام معظم رهبری در این سیاست هایی که ابلاغ کرده اند دارند. ببینید در بند ۴ می فرمایند: تحکیم بنیان و پایداری خانواده. بنام به این رهبر !! اصلا روی تک تک این عبارات باید بحث کرد. با اصلاح و تکمیل آموزش های عمومی درباره ی اصالت قانون خانواده و فرزندپروی، با تاکید بر آموزش های مهارت های زندگی و ارتباطی و ارائه ی خدمات مشاوره ای، بر مبنای فرهنگ و ارزش های اسلامی ایرانی.

ما باید به حال این اوضاع فکری بکنیم. من همین جا به صراحت خدمتتان عرض می کنم به جز من و شما هیچ کسی، هیچ کاری نمی کند. شما این فرض را داشته باشید. اگر کسی هم کاری انجام داد برای شادی ارواح گذشتگانش یک صلوات بفرستید. ولی جز من و شما درجایی خبری نیست این نکته سوم. این سبک زندگی را هم برایتان بگویم. اولین نکته ای که گفتم بند پنجم این سیاست ها است که مقام معظم رهبری ابلاغ کردند: ترویج و نهادینه سازی سبک زندگی اسلامی ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی. خب این هم نکته سوم.



جمعیت با تربیت فرزند و احساس امنیت برای فضای تربیتی بچه یک نسبت مستقیم دارد

نکته چهارم: بحث تربیت فرزند است که باز در این سیاست ها مقام معظم رهبری اشاره کرده بودند و من هم برایتان خواندم . ببینید مردم دغدغه دارند. آقایان! شماها می دانید، در این جامعه هستید واقعا در فضای فعلی جامعه، مسیرهای انحرافی در مقابل بچه ها به شدت بیشتر از گذشته شده است. آن زمان ها که ما بچه بودیم، خیلی از شماها بچه بودید، اگر مادرمان پشت سرمان می زد، و پدرمان هم یک لگد می زد و از خانه بیرونمان می کرد، خیلی که می خواستیم فاسد بشویم، آن نوارها بود که الان در تلویزیون هم پخش می کنند، نوار موسیقی و این ها، نهایتش صدای خواننده خانم بود و... دیگر چه کار می خواستیم بکنیم. دختر و پسر در خیابان به هم چشمک می زدند، یک نامه جلوی هم می انداختند اما کار خاصی که انجام نمی دادند. زمینه انحراف به شدت کم بود. الان چه؟ ما الان دو هفته است در برنامه گلبرگ داریم بحث نرم افزارهای ارتباطی و شبکه های اجتماعی تلفن همراه را می کنیم. خدا می داند پیامک هایی برای ما می آید که اصلا مو به تن آدم راست می شود! فساد دیگر سن نمی شناسد مردم دغدغه دارند که بچه هایمان را چه طوری تربیت کنیم؟ بارها من از دوستان این را پرسیده ام که آقایان سی و اندی سال است که دارد از انقلاب ما می گذرد روانشناسی غربی سیطره پیدا کرده است بر کل فضای تربیتی ما، حاکم بر فضای تربیتی ما روانشناسی غربی است که مقام معظم رهبری صراحتا در اوج فتنه ۸۸ در جمع اساتید دانشگاه فرمودند چه خبر است این همه دانشجو می گیرید برای علوم انسانی؟ دست هم گذاشتند روی جامعه شناسی و روانشناسی. وقتی ندارید چرا اینها را می گیرید. عقایدشان را سست می کنید؟ و فرمودند این روانشناسی که مبنای آن حیوان انگاری انسان است. بارها به دوستان گفته ام آقایان شما که در فضای تبلیغ معمولا درباره تربیت فرزند می



پرسند آیا می توانید یک دوره کتاب به اینها معرفی بکنید که من در جمع مشاوران حوزه ی علمیه قم این سوال را پرسیدم هیچ کس، هیچ جوابی به من نداد! مشاوران حوزه علمیه قم! یک دوره کتاب به من معرفی بکنید تربیت فرزند را با این سه مشخصه داشته باشد؟

۱- مبتنی بر دین باشد. ۲- کاربردی باشد نه تئوری ۳- با زبان مردم نوشته شده باشد. هیچ کس نتوانست یک دوره کتاب به من معرفی کند! یک دوره کتاب ابتدا تا انتها. کودکی، نوجوانی و این ها را بتواند به ما بگوید. من نگفتم بیابیم روانشناسی بچه های استثنایی را مبتنی بر دین یک چیز به ما معرفی بکنید !!! نه همین تربیتی که ما ادعای آن را داریم. کار به صورت درست و حسابی نشده است. بگذریم از تلاش هایی که گوشه و کنار انجام گرفته است. ولی واقعا محصول خروجی آن الان در زندگی مردم حضور ندارد !!! متأسفانه من اینجا صریح عرض می کنم بعضی از آقایونی که اینجا لباس پیامبر را هم بر تن کرده اند خیلی راحت با روانشناسی غربی بازی می کنند و در کنار آن دو تا روایت می گذارند و به خورد مردم به اسم تربیت دینی می دهند !!! این جفا است! جفای بزرگی است. ما در مسئله تربیت مردم را باید بیدار کنیم به آنها بگوییم . بعضی ها می گویند کیفیت جمعیت مهم است کمیّت مهم نیست. من با اینها مخالفم. اینها به یک نکته ریز دقت نکردند که اصلا کیفیت وابسته به کمیّت است. اصلا به این توجه نکرده اند فکر می کنند که اگر در جامعه ایرانی در سال ۱۴۸۰ با همین نرخ رشد جمعیت شد ۳۱ میلیون نفر که ۴۷٪ آن سالمند هستند، حدود ۱۵ میلیون، چند میلیون هم زیر ۱۵ سال هستند این میزان باقی مانده می توانند کیفیت جمعیت ما را تضمین کنند و تعجب می کنم که چه طور به این نکته به این واضحی توجه نمی کنند اما یک نکته را نمی شود فراموش کرد. اگر کیفیت جمعیت وابسته به کمیّت است اما این کمیّت را ما باید درست تربیت کنیم. مردم



ما یک خواسته به حق از من و تو که روحانی هستیم دارند: آقای روحانی بچه ام را چگونه تربیت بکنم؟ در ضمن به صورت کلی با من حرف نزنید!!!

تو به من می گوئی بچه ات را آزاد بگذار لطفاً بگوئید چگونه؟

تو به من می گوئی محبت کن بگوئید چگونه محبت کنم؟

تو میگوئی بازی کن بگوئید چگونه بازی کنم؟

تو به من می گوئی بچه ات را پای بازی کامپیوتری نشان .چه کار کنم پای بازی کامپیوتری ننشیند؟

تو که فقط اومدی به من موعظه کردی، نصیحت کردی، تربیت فرزند، تربیت فرزند، این جزء اصلی این جور چین یا پازلی است که در بحث جمعیت باید به آن توجه کنیم.

بحث جمعیت با سنت های معنوی هم یک نسبت مستقیم دارد.

نکته پنجم: بحث سنتهای معنوی است. من از خاطرات شیرین و تلخ مباحث رسانه ایم درباره جمعیت باید بگویم. یکی از خاطرات تلخم را برایتان می گویم: ببینید شما تا بحث فرزند را مطرح می کنید ما در برنامه ثریا دو تا برنامه رفتیم که تقریباً مجموع دو برنامه چیزی در حدود ۷۵۰ هزار پیامک داشت. در برنامه رادیو معارف ۲۱ برنامه درباره جمعیت رفتیم. در برنامه راه آرامش که امروز هم داشت تکرار آن پخش می شد چهار تا برنامه رفتیم که باز هم تکرار آنها در حال پخش است، چیزی در حدود ۶ هزار تا پیامک داشت. من به جرات خدمت شما عرض می کنم که چیزی بالای ۵۰ درصد، ۶۰ درصد و برای اینکه در این اعداد مبالغه نکرده باشیم دارم کوتاه می آیم، دغدغه های مردم و حرفهای مردم بوی اقتصاد می داد.



تا حرفی میزنی، میگویند: آقا پولش چه می شود؟ تا می گوئی در جواب می گوید پوشکش چه می شود؟ شما فقط پوشکش را حساب بکنید، ببینید ماهی چقدر هزینه آن می شود. بعد حقوق من را هم بگذار کنارش و این ها را با یکدیگر مقایسه کن! تا میگوئی در جواب می گوید اجاره خانه چه می شود؟ شما برای این گونه سؤالها باید پاسخ مناسبی داشته باشید. باید حرف را شنید و در مقابل آن پاسخی داشت. من در اینجا می خواهم نکته ای را عرض کنم از آن خاطرات تلخ. ببینید دوستان ما طلبه هستیم و درس دین خوانده ایم و قرآن را قبول داریم. ما « من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه لا یحتسب » را قبول داریم. ما « نحن نرزقکم و ایاکم » را قبول داریم. ما « له مقالید و السموات والارض » را قبول داریم. ما سنتهای معنوی را به عنوان یک اصل در زندگی اگر قبول نکنیم و انکار کنیم در حقیقت آیات الهی را انکار کردیم. این سنتهای معنوی جایگاهش در زندگی مردم در کجا قرار دارد؟ چرا مردم به یارانه بیشتر از وعده خدا دلخوش می کنند؟ چرا به وام بانکی ازدواج بیشتر از «و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و ایمائکم ان یکونوا فقراء ینهمم الله من فضله و الله واسع علیم» اعتماد می کنند؟ چه شد که مردم اعتقادشان کم شده است؟

آن خاطره تلخ من این است : وقتی من درباره سنتهای معنوی در رادیو صحبت کردم، بعضی ها صراحتاً گفتند: حاج آقا اینا همه قصه هائی است که پدرهای ما هم برایمان تعریف می کردند، اینها قصه است، داستان است، صراحتاً به من می گفتند: حاج آقا برای چه علمی حرف نمی زنید؟ چرا واقعی صحبت نمی کنید؟ چرا واقع بین نیستید؟ آقایان جامعه ای که وعده خدا را، سنتهای الهی را قصه بدانند، جامعه ای که روی پشتیبانی پدرش بیش از پشتیبانی خدا حساب باز بکند، جامعه ای که روی پشتیبانی مردم بیشتر از پشتیبانی خدا حساب



باز بکند، جامعه ای که روی قانون مجلس بیشتر از قانون خدا حساب باز بکند، این جامعه دارد منحرف می شود و شده است. ما وظیفه داریم که مردم را برگردانیم، اعتقاداتشان را بیاوریم به سمت سنتهای الهی. من می پذیرم که مجلس موظف است و فریاد دارم سر مجلس که چرا این قدر تعلل؟ چرا طرحی را نوشتید که رهبر انقلاب دادشان در آمده است که این طرح بدرد نمی خورد. چرا برای دانشگاه آزاد به خاطر مصالح سیاسی دو فوریتی، و یک فوریتی و نمی دانم چی چی طرح تصویب کردید، بحث جمعیت هنوز که هنوزه طرحش در صحن علنی مجلس نیامده است؟ چکار دارید می کنید؟ من سر مجلس فریاد دارم!!! من سر دولت فریاد می کشم که آقای دولت شما به عنوان کسی که باید سیاستهای کلی نظام را مدنظر بگیرد چرا در این مدتی که سر کار آمدید فقط یکبار من شنیده ام که رئیس جمهور درباره جمعیت حرف بزند آنهم به این شیوه که ما چون ۱۵۰ میلیون نفر می خواهیم جمعیت داشته باشیم باید منابع آبی را مدیریت بکنیم تا بتوانیم! چرا؟ من فریاد دارم سر معاونت امور بانوان و خانواده ریاست جمهوری، بحث مرخصی ها و اینها به کجا رسید؟ شما باید یک کاری بکنید، اما این را می گویم: فریادم را می زنم، گاهی اوقات باور بکنید بدون اینکه بخواهم خدای نکرده از خودم تعریف بکنم، شاید بعضی هایتان شنیده باشید حرفهایی را در رسانه علیه دولت و مجلس و مسئولین زدم همین که آدم بیرون دوستانم زنگ زدند حاج آقا در راه هستی یا بازداشت شده ای؟ پیام دادند که حاج آقا تبریک عرض می کنیم دیگر از پنج شنبه دیگر وقتتان آزاد شد، دیگر وقتتان خالی شد، راهتان نمی دهند، اما من حرفم را می زنم، اصلاً بحث این نیست که وظیفه آنها را نادیده بگیریم ولی این را داشته باشید که: آقایان، مبلغین عزیز ما مردم را باید برگردانیم به مسیر قرآن، ما باید مردم را امیدوار کنیم به سنت های الهی. آن کسانی که اهل نوشتن مقاله، حتی پایان نامه می خواهند مشخص بکنند من یک موضوع



را به شما می‌دهم بروید روی آن کار بکنید "نقش سنت های الهی در سیستم رهبری حضرت امام و مقام معظم رهبری" اینها نگاهشان، مدیریت کلامشان بر اساس سنت های الهی است و ما در زندگی فردی مان نتوانستیم این سنت ها را باز بکنیم، به قول این برادرمان بعضی از ما طلبه ها هم نتوانستیم دلخوش کنیم به این سنت ها و باید روی این ها کار کرد. شما منتظر باشید که دولت کاری بکند، مجلس کاری بکند، توسعه اقتصادی فراهم بشود تا مردم با اتکاء به توسعه اقتصادی که در زندگی آنها خودش را نشان دهد بیایند به سمت فرزند آوری بیشتر، معطلید الکی.

ببینید ما در اینجا داخل پراتر به شما بگویم پنجره جمعیتی که برای ما باز شده البته نمی دانم که اساتید مان درباره پنجره جمعیتی صحبت کرده اند یا نه؟ پنجره جمعیتی در کل دنیا یک فرصت است ولی محدود است. پنجره جمعیتی در کجاها معمولاً هست؟ البته من خدمت آقای محمودی، آقای محمودی شما آمدید من کارم سخت شد ها! من اینجا سرشان را می توانستم در بحثهای جمعیتی شیر به مالم ولی با آمدن شما دیگر.... آقای محمودی از اولین کسانی بودند که آمدند در رسانه و درباره جمعیت صحبت کردند و من یادم هست در این گفتگوی ویژه خبری که نشسته بودم داشتم یادداشت می کردم و حالا ما دور را دور با هم تماس تلفنی داشتیم و امروز به برکت این جلسه همدیگر را دیدیم ولی واقعاً من می دانم ایشان در چه فضائی دارند کار می کنند، می دانم مخالفین جدی هم در حوزه کاری خودشان وجود دارد که می گویند این مسائلی که گفته می شود خیلی دارند سیاه نمائی می کنند و بحرانی وجود ندارد و فلان و بهمان.... ولی خب ایشان واقعاً ایستاده اند و دارند کار می کنند من جمله کارهای پژوهشی، آن کار پژوهشی که دکتر عرفانی ظاهراً از کانادا آورده بودند من باز نتیجه پژوهشهایشان را دیدم، واقعاً کارهای قشنگی است و قابل ستایش.



ببینید پنجره جمعیتی وقتی ۲/۳ جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ قرار می گیرد می گویند وارد پنجره جمعیتی شده ایم. خیلی خوب است یک جمعیت خیلی کاری، فعال، توسعه اقتصادی در همین جا شکل می گیرد. پنجره جمعیتی هم در کشورهای اتفاق می افتد که کنترل جمعیت دارند مثل آفریقا الان میانه سنی اش ۲۰ است. حالا آخرین آماری که برای ۲۰۱۰ من دارم ظاهراً میانه سنی اروپا ۴۰ است، میانه سنی هم یعنی این که مثلاً شما ۲۰ وقتی می گویند میانه سنی یعنی این جمعیت را نصف کنید، نصف جمعیت قبل از بیست سال هستند و نصف جمعیت بعد از بیست سال هستند. حالاً حساب بکنید آفریقا میانه سنی اش بیست است، اروپا ۴۰ است، میانه سنی کشورمان ۲۷/۹ است. خب ببینید زنان در سن باروری هم تعریف دارند. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی زنان از سن ۱۵ تا ۴۹ سال می شوند زنان در سن باروری. خیلی دقت بکنید. یک مقدار طلبه ای دقت بکنید!! اگر دقت کرده باشید زنان در سن باروری درست در درون پنجره جمعیتی هستند، زیرا گفتیم پنجره ی جمعیتی وقتی ۲/۳ جمعیت از ۱۵ تا ۶۵ سال باشند، این می شود پنجره جمعیتی. حالاً زنان ۱۵ تا ۴۹ سال به صورت اتوماتیک کجا هستند؟ در درون پنجره جمعیتی! این پنجره جمعیتی بسته می شود، بسته که شد فرصت ها از بین می رود. حالاً ببینید ما در پنجره جمعیتی که قرار داریم، شما بگوئید پنجره ی جمعیتی زودتر به روی ما بسته می شود یا سن باروری زنان؟ خب زنان زودتر بسته می شود زیرا آنها ۴۹ سال هستند. از سال ۸۵ وارد پنجره ی جمعیتی شدیم تا ۱۴۲۵ ادامه دارد. الان چه زمانی است؟ ۱۳۹۳. ما چند سال دیگر فرصت داریم؟ حدود ۳۲ سال دیگر! ما فرصتمان برای جبران این مسئله ای که به خاطرش جمع شدیم نهایتاً این ۳۰ سال است! که نه! چرا؟ چون گفتیم زنان زودتر سن باروریشان تمام می شود. شاید حدود ۲۰ سال ما فرصت داشته باشیم. آقایان! تعللی که من را داغان کرده است خود مانی اش به خاطر این است. من تا به



اینجا همش داشتم ترمزی می آمدم!! آقا سبک زندگی، آقا ازدواج، استحکام زندگی مشترک، تربیت فرزند. آقایان منتظر نباشید از تمام ظرفیت های موجود استفاده کنید. از تمام ظرفیت ها پس نکته بعدی این شد مردم ر ابا سنت های معنوی آشنا کنید. من همین جا به معنای حقیقی کلمه تشکر می کنم به عنوان یک روحانی که جناب آقای محمودی در رسانه ها حرف از سنت های الهی در رزق زد. جرات کرد و جسارت به خرج داد و این حرف را زد این وظیفه ما آخوندها است برویم بالای منبر بگوییم مردم خدا هست، خدا رزاق است، خدا در این قرآن به آن کسانی که بچه هایشان را می کشتند گفت «لاتقتلوا اولادکم خشیۀ املاق» ما وظیفه مان است که برویم داد بزنیم. مردم هم گفتند دولت، دفاع متعصبانه هم نمی کنیم. انتقادهای به دولت را هم مطرح می کنیم ولی می گوییم مردم خدا از دولت بزرگ تر است. خدای ما خدای ارزانی و گرانی نیست، خدای ما خدای قدیم و جدید نیست، مردم باید ایمانشان زیاد بشود. واقعا مردم فطرتشان پاک است من آن خاطره ی تلخ را گفتم، گفتم که به ما این جوری گفتند؟ خدا می داند وقتی ما این تلفن را پخش کردیم من به دوستان گفتم پخش کنید!! بگذارید مردم بشنوند که بعضی ها میگویند این آیات قصه است !!! گفتم مردم من عذر می خواهم از دستگاه ربوبی که از شما می خواهم با تجربیاتتان آیه قرآن را تایید بکنید ! من طلب بخشش می کنم اول. ولی شما بیایید صحبت بکنید. بگویید تجربیاتتان را از ازدواج و رزقی که بعدش نصیبتان شد. از فرزندآوری و رزقی که بعد از آن نصیبتان شد بیایید اینها را بگویید. نمی دانید چه اندازه تماس!! ما ماندیم بین این همه تماس ها چه قدر پیامک!! و چه قدر تاثیرگذار!! ما از ظرفیت ها باید برای برگرداندن مردم به خدا استفاده کنیم. در زندگی معمول مردم خدا دارد آرام آرام گم می شود. خدا دارد فقط می آید در نماز و هیئت و مسجد! در زندگی معمول مردم خدا باید جریان داشته باشد، در رزق خدا باید جریان



داده باشد، در ازدواج خدا باید جریان داشته باشد این هم از نکته پنجم.

پس مرور کنیم؛ جمعیت با سبک زندگی یک نسبت کاملاً مستقیم دارد، جمعیت با کاهش سن ازدواج یک نسبت مستقیم دارد، جمعیت با استحکام در زندگی مشترک و پائین آمدن آمار طلاق یک نسبت مستقیم دارد، جمعیت با تربیت فرزند و احساس امنیت برای فضای تربیتی بچه یک نسبت مستقیم دارد، بحث جمعیت با سنت های معنوی هم یک نسبت مستقیم دارد.

نخبگان ما قانع نشدند، نخبگان سیاسی ما، نخبگان علمی ما، حوزه ما قانع نشده است و این یک مشکل بزرگ است.

نکته ششم: مقام معظم رهبری در آن صحبتی که باز با همایش ملی تغییرات جمعیتی داشتند نکات خیلی زیبایی را مطرح کردند که یکی از آنها بحث نخبگان بود که نخبگان باید متقاعد بشوند، نخبگان باید اقناع بشوند.

ما الان مشکلی که داریم در سطح نخبگان است. یعنی این طوری نیست که مقام معظم رهبری این را فرموده باشند و همه هم گفته باشند سمعاً و طاعتاً نه. دو مشکل عمده ای داریم شاید هم سه تا شاید هم شد چهار تا.

مشکل اول: نخبگان در زندگی عملی خودشان به بهانه های مختلف به این سمت گرایش ندارند. به عنوان مثال: خودش ۴۰ سال سن دارد و خانم ایشان هم که حدوداً ۳۴ ساله هستند می گوید: حاج آقا زشت است



برای استاد دانشگاه و نمی دانم فلان و بهمان و ... اصلاً بی خیال ما تبلیغ این مسئله را می کنیم. معمولاً، معمولاً اولین سؤالی که از کسی که درباره جمعیت صحبت می کند می پرسند این است که شما خودتان چند تا بچه دارید؟ من خودم چهار تا و باور کنید تا چهارده تا هم مشکلی ندارم. ببینید نخبگان این مشکل اولشان است.

مشکل دوم: نخبگان سر اصل مسئله جمعیت توجیه نشده اند. من نمی دانم این را بگویم یا نه؟ ولی در همین جا، در همین موسسه یک همایشی برپا شد و خیلی هم تبلیغ شد، دوستانی که در آن همایش شرکت کرده بودند، من می دانم مسئولینی که هم در آن همایش شرکت کرده بودند، گلایه داشتند. سخنران اصلی این همایش اول تا آخر درباره جمعیت قرار بود صحبت شود. شما بروید رسانه ها را رصد بکنید، جمله ای که در رسانه ها نوشته شد: حمله فلانی و یا انتقاد فلانی از حوزه علمیه قم. سخنرانی چی بود؟ حوزه علمیه باید فعال باشد نه منفعل و در آخر سخنرانی هم چند دقیقه درباره جمعیت این طور که: آقا نه روایاتی که درباره کساد جمعیت وجود دارد و نه روایاتی درباره قلت جمعیت وجود دارد و درباره اینها به این راحتی نمی شود برخورد کرد و مرتب نگوئید جمعیت زیاد با استناد به این روایت که در این جا بمانید و بتوانید کاری بکنید. چی شد ما آمده بودیم همایش ملی تغییرات جمعیتی، ما قرار بود که مخاطب را تشویق کنیم که برود درباره این مسئله صحبت کند چرا این طوری شد؟ چرا این اتفاق افتاد؟ نخبگان ما توجیه نیستند در سر اصل مسئله.

مشکل سوم: بعضی از نخبگان ما فراتر از توجیه نبودند، مخالف هستند، مخالفت اینها به دو گونه است: بعضی می گویند سیاه نمائی نکنید، همچنین خبرهائی نیست، جمعیت ایران خوب است و آینده آن هم خوب است و اصلاً نگرانی نیست راحت و آسوده بخوابید که شهر در امن و امان است. یک عده دیگر از نخبگان را داریم



که می گویند درست است جمعیت کاهش پیدا می کند ولی شما به جای اینکه مردم را بیاپید ترغیب بکنید به سمت جمعیت زیاد، بیاپید کیفیت جمعیت را بالا ببرید. دسته سومی هم در جمعیت نخبگان می شود دید، عده ای که معتقد هستند که شما حرفتان درست ولی دست تسلیمتان را هم بگیرید بالا، برای اینکه بیست سال در گوش مردم خواندید: فرزند کمتر، زندگی بهتر. الان دیگر نمی توانید برگردانید، نمی شود در حقیقت یک حس ناامیدی را القاء می کنند و واقعا خودشان هم به این سمت نمی آیند، خودشان حتی یک صحبت نمی کنند، حتی یک حرف کوتاه هم نمی زنند و می گویند حرف زدن در این زمینه، خرج کردن بی خودی آبرو است. من یک عمر زحمت کشیده ام، یک آبرو جمع کرده ام، حالا بیاپیم یک حرفی بزنم که مردم به من فحش بدهند. بگویند حاج آقا خودشان جیششان پر است و می گوید بچه زیاد بیاورید. من این کار را نمی کنم. این هم یک دسته، ما واقعا در نخبگانمان مشکل داریم و در همان جلسه مقام معظم رهبری فرمودند حالا مردم متعبد می شنوند و گوش می دهند، بروید روی نخبگان کار بکنید.

شما این را داشته باشید که وقتی دارید بحث جمعیت را مطرح می کنید این قدر باید محکم باشید، این قدر استدلالتان محکم باشد، این قدر اطلاعات آماری تان قوی باشد که وقتی آمدند و گفتند آقای دکتر فلانی درباره این حرفی که شما می زنید به گونه دیگری می گویند و حرف شما را قبول ندارند دستتان پر از استدلال باشد، محکم، علمی تا بتوانید با او حرف بزنید.

بحث جمعیت مثل بحث های دیگر نیست که یک اتفاق نخبگانی حداکثری در آن باشد منهای بعضی ها که در هر مسئله ای ساز مخالف می زنند، نه واقعا نیست. شما نمونه اش را نگاه کنید. الان سه سال است، سال ۹۰ مقام معظم رهبری گفتند و همه فهمیدند گرچه بعضی از نخبگان قبلش می دانستند چون بحث آن،



آقای محمودی، شورای عالی فرهنگی قبل از آن مطرح بود. خب ولی ببینید مجامع نخبگانی ما چه کارهائی کردند، چه فعالیتهائی داشتند. از سال ۹۰ تا الان را رصد کنید. نخبگان ولایت مدار ما، چکار کردند؟ من آمدم چند وقت پیش بعد از این که مقام معظم رهبری در دیدار اخیرشان با مدّاح ها در روز خاطرم نیست یا با بانوان چون دو تا سخنرانی پشت سر هم بود، آمدند، بچه ها گفتند یک مقاله ای بنویس برای سایتها حالا صحبت کردند آقا، یک چیزی داشته باشیم. من آمدم، رفتم تیتريهای روزنامه ها را، دو تا از روزنامه های مدّعی ولایت مداری را از سال ۹۰ رصد کردم تا ۹۲ ببینم اینها که مدّعی دغدغه های ولایت هستند چقدر با این دغدغه ها همسو هستند؟

۹۰/۵/۱۶ اولین صحبت مقام معظم رهبری درباره جمعیت به صورت علنی بود که فرمودند: «من معتقدم کشور ما با امکاناتی که داریم می تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیت هستم، هر اقدام و تدبیری که می خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام گیرد بعد از ۱۵۰ میلیون انجام بگیرد.»

آقایان در کل آن سخنرانی، جدیدتر و مهم تر از این صحبت وجود داشت؟ روز بعد تیتیر اول یکی از این روزنامه ها این بود: «توانائی غلبه بر انواع تهدیدها یکی از اصلی ترین نقاط قوت نظام است» خدایش این مهمتر است یا آن؟ دومین روزنامه هم نوشته بود: «نظام توانائی غلبه بر تهدیدات را دارد.»

یک سال بعد: ۹۱/۵/۳ دوباره در همان جمع مسئولین در ماه مبارک رمضان، ضیافت افطار و دوباره مقام معظم رهبری تذکر دادند درباره جمعیت: «کشور نباید بگذارد غلبه نسل جوان از بین برود، این طوری داریم از بین می رویم آن طوری که کارشناس ها بررسی علمی دقیق کردند، اینها خطایات نیست اینها کارهای



علمی و دقیق است. اگر همین طوری برویم نسل جوان کم می شود و... « بعد فرمودند: « بعد از گذشت چند سال کشور ما جمعیت آن کاهش پیدا می کند، زیرا پیری جمعیت با کاهش زاد و ولد همراه است.» روزنامه روز بعد: «غرب اتوبوسی است که در زیر پهنمان مانده است. آرمان گرایی با واقعیت گرایی شرط عبور از گردنه ها.»

ببینید اینها از جملات مقام معظم رهبری جدا شده. واقعاً این حرفهائی که زدند اهمیت نداشت. چرا اینها را برجسته نمی کنید تا سال ۹۱ باور کنید بسیاری از بچه های مذهبی نمی دانستند که آقا فرمودند: جمعیت باید ۱۵۰ میلیون نفر بشود. بعضی ها که نشنیده بودند وقتی می شنیدند، نمی دانستند که آقا گفته است، جسارت آمیز درباره این مسئله حرف می زدند. این چه گناه بزرگی است که ما مرتکب شدیم و براساس ایده های خودمان فقط طراحی کردیم فضای ذهنی مردم را.

سال ۹۱ : ۹۱/۷/۱۹ مقام معظم رهبری یک جمله تاریخی گفتند: دقت کنید، می فرمایند: «یکی از خطاهائی که خود ما کردیم بنده خودم هم در این خطا سهیم هستم این مسئله تهدید نسل از اواسط دهه هفتاد به این طرف باید متوقف می شد البته اولی که سیاست تهدید نسل اتخاذ شد خوب بود، لازم بود» ببخشید، شاید مخالفت با خیلی ها باشد ولی وظیفه دارم که بگویم: خیلی می شنوم از این طرف و آن طرف به شدت بحث کنترل جمعیت را، آغاز آن را نسبت می دهند به صهیونیست و آمریکا، آقا این نقشه استعمار بود، از ابتدای آن دست آمریکا در کار بود. من به دوستان گفتم، آنهائی که این حرفها را می زنند، بعضی هاشان کتاب منتشر کردند به آنها گفتم: دوستان این جور حرف زدن اشتباه است به دو دلیل: یک: مقام معظم رهبری راس هرم نظام، عالی ترین مقام سیاسی و مذهبی در کشور ما فرمودند: «این کار ابتدایش خوب بود و لازم





بود» تمام. چرا بالای سر حرف مقام معظم رهبری صحبت می کنید تمام شد. گفتند: «خوب بود، لازم بود، تا اوایل دهه هفتاد» شما هم بگوئید چشم. این دو گانگی را در مردم چگونه می توانید حل بکنید شما بروید داد بزنید آقا آمریکا این کار را کرد، صهیونیست این کار را کرد. گولمان زد! رهبر بیایند بگویند: خوب بود لازم بود، حداقل دو بار ایشان تاکید کردند! چرا این گونه می گوئیم؟ بیاییم صحبت های رهبری را خوب رصد بکنیم. دلیل دومش؛ واقعا شما چگونه ذهن مردم را می توانید جمع و جور بکنید؟ بگویند بیست سال آمریکا و صهیونیست دورتان زدند از سال ۶۷ و ۶۸ تا سال ۹۰ چون آنها نمی دانند که ما از قبل آن متوجه شدیم. بیست و سه سال شما را دور زدند، نسلتان را این گونه قطع کردند، شما تازه متوجه شدید؟

همان حرفی که رهبر گفتند. ما سال ۷۱ رسیدیم به نرخ باروری ۴ در سیاست های اول برنامه توسعه تعریف شده بود که نرخ باروری از ۶/۴ به ازای هر زن در سن باروری برسد به ۴ در سال ۱۳۹۰ ما در سال ۷۱ رسیدیم به این. اشتباه کردیم که ادامه دادیم! در سال ۱۳۷۲ مجلس تصویب کرد. ببینید در برنامه اول توسعه نرخ باروری ۴ تایید می شود در سال ۱۳۷۱ می رسمیم به ۴. سال ۱۳۷۲ مجلس قانون تصویب می کند که بچه چند تا؟ ۳ تا. تلویزیون تبلیغ میکند چند تا؟ ۲ تا!!!! آخرش هم می شود یکی!!!

ما اشتباه کردیم. بعد ایشان می فرمایند «لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می شد این را متوقف نکردیم، این اشتباه بود، عرض کردم مسئولین کشور در این اشتباه سهیم هستند خود بنده حقیر هم در این اشتباه سهیم هستم!! این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد! نسل جوان را باید حفظ کرد، با این روند کنونی اگر بخواهیم پیش برویم، من چندی پیش هم در ماه رمضان در سخنرانی گفتیم که کشور پیر خواهد شد. به این شکلی که امروز می باشد خطا است» چه قدر این صحبت ها مهم است

تیتیر یکی از این روزنامه از صحبت های مقام معظم رهبری در روز بعد: «مشکل گرانی و بیکاری با همت مسئولان قابل حل است روحیه ی خودباوری و ما میتوانیم ترویج شود.»

اینها نخبگان سیاسی جامعه هستند، اینها اصل را من حالا دیگر بعدش را نمی خوانیم این می دانند که ما پشت سر ولایت داریم حرکت می کنیم کجایی؟ چه اندازه پرت هستی؟ خدا شاهد است در یک جلسه خصوصی در بین بعضی از تصمیم گیران اصلی که بسیار در فضای فرهنگی جامعه می توانند موثر باشند وقتی من در رابطه با جمعیت صحبت کردم، گفتم شما با این ارگان درشت کاری برایش انجام داده اید؟ برگشتم و به یکی از این آقایان گفتم آقا کاری انجام داده اید؟ گفت بله در یکی از این نشریه مان در یکی از قسمت هایش که سبک زندگی داریم یک بار در رابطه با جمعیت صحبت کردیم !!! گفتم آقایان! مقام معظم رهبری می فرمایند مسئله جمعیت از آن چیزهایی است که وقتی انسان به آن فکر می کند تنش می لرزد! چه کار کردید؟ یکی از آنها خیلی صادقانه به من گفت: ببینید اینها در رده هایی بسیار کلان تصمیم گیر هستند. خیلی صادقانه! من واقعا تقدیر می کنم از این صداقت! گفتند حاج آقا با این حسی که شما داری منتقل می کنی تا به حال ما این گونه نگرفتیم!!!! یک جلسه داریم در سطح مسئولان کلانمان شما بیایید آنجا صحبت کنید این حس را منتقل بکنید!! وامصیبتا!! بعد از سه سال تازه به دنبال یک نفر می گردند که آنها را روشن کند و هل بدهد!! نخبگان جامعه ما توجیه نیستند آقایان!

من اصلا آدمی نیستم که بخواهم همه حقایق را خرج یک حقیقت بکنم این را افراط میدانم! ولی خدا خودش می داند که از سر درد من دارم این حرف ها را می گویم ببینید ما الان یک مسئله داریم به نام مسئله هسته ای. بروید سایت ها را نگاه بکنید، بروید روزنامه ها را بخوانید، چه قدر مقاله، چه قدر همایش، چه قدر گفت



وگو در این زمینه؟ من نمی گویم مسئله هسته ای مهم نیست! ولی بروید بیانات مقام معظم رهبری را در رابطه با مسائل هسته نگاه کنید، در رابطه با جمعیت هم ببینید! یک مقدار واضح است. کجا مقام معظم رهبری در رابطه با مسئله هسته ای گفته اند که تن آدم می لرزد؟ اتفاقا خیلی با اقتدار بروید، مذاکره نکنید ماکه خوش بین نیستیم ولی مذاکره ادامه پیدا نکند. همین اخیرا در دانشگاه امام حسین (ع) فرمودند: آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند، به آمریکا بگویید ازدست ما عصبانی باش. از این عصبانیت هم بمیر!! بعد می بینیم سریع همایش می گذارند. مادلواپسیم، من دلواپس شما هستم، میدانم دلواپسی شما چه چیزی است! اصلا هم انتقاد ندارم به همایش های شما اما شما را به وجدانتان قسم در این سه سال نمی شد یک همایشی برپا نکنید بگویید دلواپس جمعیت هستیم؟؟ دلواپس آن چیزی که تن رهبر را می لرزاند، دلواپس آن چیزی که رهبرمان را در غربت گذاشته، آقایان مردم به حرف های رهبر دارند کنایه میزنند!!

چون ما نتوانسته ایم توجیه کنیم. ایشان آمدند گفتند ۱۵۰ میلیون ۲۰۰ میلیون. ما خجالت کشیدیم که این حرف را تبلیغ بکنیم!! چرا؟ زیرا از خنده مردم بعضی هاما ترسیدیم!! از کنایه های مردم ترسیدیم. تنهایی ولایت مگر چیزی غیر از این است؟؟

نخبگان ما قانع نشدند و این یک مشکل بزرگ است، حوزه ما قانع نشده است. شما بروید در این سه سال بگردید این همه همایش در اینجا، در فلان جا، در فلان جا، در فلان جا برگزار شده است. چند تا همایش در رابطه با جمعیت برگزار شده است؟ در چه سطحی برگزار شده است؟ خروجی اش چه چیزی بوده است؟ چند تا کتاب در رابطه با جمعیت نوشته شد در این سه سال؟ بعد بروید ببینید چه قدر کتاب های دیگر نوشته شد که مسائل دست دهم این مملکت هم نیست!! این به خاطر این است که نخبگان جامعه ما توجیه نشدند و



این مشکل اساسی است. در بحث جمعیت شماها اگر همه تان توجیه شدید بدانید در هم ردیف های خودتان هم در حوزه و هم در دانشگاه کسانی دارید که این گونه نمی آیند بنشینند در بحث جمعیت و این را مسئله دست اول جامعه نمی دانند.

مردم از تبعات سالمندی جمعیت آگاه نیستند، باید این آگاه سازی در سطح آحاد جامعه اتفاق بیفتد

نکته هفتم: مردم از تبعات سالمندی جمعیت آگاه نیستند، مردم فکر می کنند تبعات سالمندی جمعیت برای صد سال دیگر است مردم نمی دانند که همین الان در چند سال آینده به وضوح تبعات سالمندی جمعیت مشاهده می شود.

در سال ۱۴۲۰ که دیگر نقطه اوج جمعیتی ما است و آن افول و کاهش شروع می شود ما یک جامعه سالمند هستیم بین ۱۸ تا ۲۲ درصد بر اساس پیش بینی سازمان ملل ما جامعه سالمند داریم. مردم نمی دانند سالمندی چه است؟ مردم نمی دانند تبعات سالمندی چه است؟ من هم نمی خواهم در این رابطه صحبت بکنم.

این کتاب ایران جوان بمان را که خدمتتان خواهند داد درباره اش صحبت کردم حالا به اندازه ای که شما بتوانید در فضای تبلیغی از آن استفاده کنید، اما مردم آگاه که می شوند تبعات سالمندی گریبان خودشان را می گیرد. یعنی این پدر و مادری که یک فرزند دارند تبعات سالمندی گریبان خودشان را می گیرد نه گریبان بچه شان را. این باید برود خانه سالمندان! بچه این، این را دو دستی می گذارد و در آن زمان من در تلویزیون صراحتاً اعلام کردم! گفتم که اگر ما الان مردم را نهی می کنیم از این که پدر و مادرهایشان را خانه سالمندان



بگذارند و این را یک کار غیر اخلاقی محسوب می کنیم، در جامعه تک فرزند مردم را توصیه می کنیم به این که پدر و مادرشان را بگذارند خانه سالمندان و این را یک کار اخلاقی می دانیم!! چرا؟ چون اگر بچه های تک بخواهند پدر و مادرشان را نگهداری بکنند چه کسی جامعه را بپرچاند؟ کارخانه های جامعه، اداره جات، چه کسی اینها را می خواهد بپرچاند؟ الان در جوامع غربی اگر خانه سالمندان رشد کرده است ما بچه هایشان را سرزنش نکنیم!! بابا فرد یک بچه دارد!! خب مملکت باید بپرچاند، کارخانه دارد، معدن دارد، اداره دارد، پزشک می خواهد، پزشک فقط مدرک نمی خواهد! پزشک باید برود در مطب بنشیند! این پدر و مادر ۷۰ و ۸۰ ساله را چگونه نگهداری کند؟ این که امید به زندگی در جامعه ما دارد به سمت سن ۷۵ می رود و اینها این با کاهش جمعیت چندان آینده خوبی برای ما نیست!!! من نمی خواهم بگویم مردم زودتر بمی رند بهتر است! نه راه کارش این است که جمعیت را متعادل بکنیم! چون که این عمر بیشتری می کند و نیازمند به نگهداری بیشتر است ولی کسی نیست نگهداری اش بکند.

سوئد، نروژ، کانادا و بسیاری از کشورها به این مشکل برخوردند، ژاپن در همین چند وقت اخیر حدود ۱/۳ بودجه سالانه اش را صرف خرج سالمندان دارد می کند. سوئد در سال ۲۰۰۵ یک جمعیت ۹ و خرده ای دارد که جمعیت ساکنش است و جمعیت مهاجرش که خب خیلی زیاد است ۸ میلیارد و ۷۶۰ میلیون دلار!!! فقط خرج سالمندان می کند!! در حالی که ما در سال ۱۴۲۰ حدود ۱۶، ۱۷ میلیون حداقل سالمند خواهیم داشت، که تقریباً دو برابر جمعیت کل سوئد است!!! مردم از یک سری چیزها باید مطلع باشند. بابا مردم امروز را دارند می بینند با آن فردا را تصمیم می گیرند. اگر ما امروز مشکل اشتغال داریم، تا چند سال آینده مشکل نیروی کار خواهیم داشت این را باید بدانیم! بچه ای که امروز می آید ۱۵ تا ۲۰ سال دیگر نیاز به کار دارد



اینهایی که الان بر سر کار هستند نتیجه نرخ باروری ۶/۴ سال ۶۵ و ۴ سال ۷۱ هستند، اینها الان سرکار رفته اند. خیلی از اینها ۷ تا ۸ سال دیگر از کار بیرون می آیند، بازنشست می شوند. نرخ باروری ۱/۶ باید برود به جای اینها بنشینند. خب این که دودوتا، چهارتا است. ۶/۴ ها رفتند حالا ۱/۶ ها باید بیایند برسر جایشان. خب معلوم است فرصت های شغلی خیلی زیاد خالی می شود. مردم اینها را نمی دانند، امروز را دارند نگاه می کنند، فکر می کنند فردایشان هم مثل امروز است!! در حالی که در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده شان دیگر مانند امروز نیست. این هم نکته بعدی.

بحث فرافکنی و تبلیغ منفی در خصوص آمارهای جمعیتی شروع شده است که باید با آنها با استدلال و اطلاعات دقیق مواجه کنیم

نکته هشتم: بحث فرافکنی و تبلیغ منفی را هم خیلی خلاصه بگویم. حرکت هایی از آن طرف آب شروع شده است بعضی ها دارند سناریوهایی پیش بینی شده ی خود سازمان ملل را برعکس می کنند. براساس سناریو سازمان ملل، سه تا سناریو پائین، بالا، متوسط برای ما طراحی کرده اند ما در ۱۴۲۰ نرخ جمعیت مان دیگر صفر می شود و بعد هم شروع می کند به کاهش جمعیت!!

الان بعضی ها شروع کرده اند البته آمار متفاوت ارائه می دهند در داخل کشور دارند به صورت رسمی فعالیت می کنند که فضای کشور را برخلاف آن چیزی که دانشمندان جمعیت شناس ما و مقام معظم رهبری براساس همین داده های علمی گفته اند، دارند برمی گردانند و این خیلی مشکل بزرگی است که لازمه اش همان اطلاعات دقیق شما است.



شایعات علمی فراوان است. ببینید بنده همین هفته گذشته در جمع اساتید، جمع هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز جلسه ای داشتم بر سر جمعیت ما دو الی سه مسئله داریم که به شدت باید حل بشود. اینجا آقای محمودی و جناب آقای عزیزی این پزشکان را بیاورید و این مسئله را حل بکنید. این جزء مسائلی است که می شود با همت پزشکان حل بشود.

ما در رادیو معارف دکتر لباف را آوردیم، حالا ایشان به عنوان کسی که دیگر متخصص زنان و زایمان و نازایی است پیش قدم شده است با این سن بالای شصت سال دارد این شهر و آن شهر می رود تبلیغ می کند در اندازه خودمان تلاش کردیم این شایعات را یک مقدار پایین بیاوریم.

ببینید اولینش این است که بعد از ۳۵ سال پزشکان به شدت باروری را نهی می کنند، در حالی که واقعا در خارج از کشور حالت به گفته های امثال دکتر لباف و کسانی که آنها حضور داشتند و اطلاعات دارند واقعا این قدر نمی ترسانند مردم را که بعد از ۳۵ سال دیگر باردار نشوند. این که منگل می شود احتمالش ۱ در ۱۵۰ است. یک مقدار احتمالش بیشتر می شود ولی پیگیری های علمی، پیگیری های علمی، آزمایشات علمی، منتهای این حرفها با توکل بر خدا، با توسل بر اهل بیت (ع). اما این اضطراب را بوجود آورده اند که بعد از ۳۵ سال بچه ات منگل می شود.

من این را فقط ایده اش را دارم می دهم چون که هم جناب آقای دکتر عزیزاده و هم دکتر محمودی حضور دارند. گفتم بیا باید یک مقایسه بکنید. ما در سال ۶۵ نرخ باروری مان ۶/۴ بوده است. زنان تا سن ۴۵ الی ۴۶ سالگی باردار می شدند. کسی تا آن موقع نمی گفت تا سن ۳۵ و ۳۶ سالگی. آمار منگل های جامعه را تا ۶/۴ بردارید، نرخ باروری ۶/۴ محاسبه کنید ببینید چه اندازه در جامعه منگل داشتیم!! بعد بیاییم محاسبه کنیم که



آقا شما دارید یک مسئله کلان ملی را درباره اش صحبت می کنی، شما درباره جمعیت یک کشور شیعه و محب اهل بیت (ع)، مرکز و قلب تشیع در عالم صحبت می کنید.

نهایتش درست است بعد از ۳۵ سال یک مقدار احتمال می رود بالا یک بیس تا، سی تا، صدتا، دویست تا، هزار تا منگول هم اضافه شود! ما در فقه مان می گوئیم: همه شما لمعه خواندید که اگر دشمن حمله کرد سپرش را سپر انسانی قرار داد، پیرزن، پیرمرد، کودک و نوجوان و شما راهی نداشتید برای مبارزه با دشمن الا کشتن این سپر انسانی!!! آقایان جایز نیست، واجب است اینها را بکشید، نمی توانید بگوئید من دلم نمی آید این پیر زن بی گناه را بکشم و بعد اجازه بدید دشمن بیاید و در سرزمینت نفوذ کند. چرا! چون اسلام کلان نگر است، مصلحت جامعه را بر مصلحت فرد اینجا مقدم می دارد.

حالا یک چند تا منگول هم اضافه بشود. من دارم درباره جامعه حرف می زنم که می تواند به سمت انقراض نسل برود. امنیت جامعه ما به شدت، تحت شعاع قرار بگیرد. من به دوستانی که انتقاد می کنم، خواهش می کنم این مسئله را این گونه طرح نکنید که از ابتدا نقشه دشمن بود چون حرف رهبری نقض می شود از این طرف می گویم این را تبلیغ کنید که ادامه این مسیر دلخواه دشمن است، این خوب است.

برژینسکی حالا یک مقدار دهان باز کرد و گفت: که این مذاکرات هسته ای را طولش دهید، جمعیت ایران کار ایران را خواهد ساخت. آنها می دانند یک کشور با این پهناوری وقتی که به ۷۰ تا ۸۰ سال برسد دیگر یک ۱۵ میلیون آن پیر، چند میلیون زیر ۱۵ سال، یک چند میلیون هم این وسط می مانند، اینها همین طور هم بمانند، همه زندگی شان را هم تعطیل کنند، نمی توانند از این کشور دفاع کنند. حالا ما بیائیم سر این مسئله کلان، وجود چند تا منگول را در جامعه که تعدادشان حالا می تواند یک مقدار بیشتر شود، احتمال





دارد، بیائیم بحث باروری بالای ۳۵ سال که یک قسمت قابل توجهی از جمعیت ماست را کلاً منکر شویم. بگوئیم: خیر! ببینید واقع بینانه اش را بگویم خدمتان. ما تا بیائیم سن ازدواج را بیاوریم پائین، خودمان را هم که بکشیم چون فرهنگ شده در کشور ما باز هم خیلی طول می کشد. گفتیم ۲۰ سال ۲۵ سال هم بیشتر فرصت نداریم، از تمام ظرفیت های موجود باید استفاده کنیم. من خدمت آن پزشک ها در دانشگاه علوم پزشکی شیراز گفتم: شما می گوئید سن ازدواج بیاید پائین من هم قبول دارم، تبلیغ بکنیم و بیاوریم پائین، تلاش بکنیم ولی آقایان، خانمها ما این هائی که ازدواج کردند و الان رفتند تو خانه زندگی شان، مشکل اقتصادی هم ندارند، سر خانه خودشان هم هستند فقط مشکل شان اینه که ۳۵ سال از عمرشان گذشته و یک بچه دارند یا دوتا بچه، چرا از این ها استفاده نکنیم ما باید از همه ظرفیت مان استفاده بکنیم این یک شایعه است، الان به شدت رواج دارد.

دوم بحث سزارین است. می دانید که اصل سزارین متأسفانه در جامعه ما تقریباً یکی دو برابر استاندارد بین المللی است. در بعضی از بیمارستانهای خصوصی تهران تقریباً ۷۰ درصد زایمانها را می گویند عمل سزارین انجام می شود و دلائل آن هم مختلف است که ما قصد نداریم به دلایل آن بپردازیم. ولی بسیاری از پزشکان می گویند: یکی، دو تا سزارین کردی دیگه سومی اش نه.

من الان قصد ندارم وارد مسائل تخصصی بشوم ولی می خواهم بگویم که الان در جامعه ما وجود دارد و باید درباره آن صحبت شود، درباره اش باید حرف زد، آیا واقعاً خطر جانی دارد؟ آیا خطرش این است که بچه و مادر هر دو تا به رحمت خدا می روند و یا نه سختی اش بیشتر است! اینها باید باز شود، اینها جزء حرفهائی که در جامعه ما وجود دارد، شما وقتی که می روید حرف می زنید اینها را بدانید. ما در مصاحبه ای که با دکتر

لَبَّاف داشتیم پاسخ بسیاری از این سؤالات را در انتهای کتاب ایران جوان بمان داده ایم.

نکته نهم: جزءنگری به جای کلان نگری و اکنون زدگی به جای آینده نگری است.

نکته دهم: قبلاً راجع به آن صحبت کردیم تحلیل های ناهماهنگ با راس هرم نظام است.

نکته یازدهم: یک نکته روانشناختی است. آقایان در بحث جمعیت به مردم حق بدهید. مردم را این قدر مواخذه نکنید اول ما باید خودمان را مواخذه بکنیم. ما روحانیت باید مواخذه شویم. یک زمانی وقتی بحث جمعیت مطرح شد ما آسمان به ریسمان به قول معروف به هم بافتیم تا مردم را متقاعد کنیم که بچه کمتر، دو بچه کافیه. این «قلة العیال أحد الیسارین» را چنان توجیه کردیم حتی روی دیوارها نوشتیم، در کتابها نوشتیم تا نتیجه اش ترغیب مردم به جمعیت کمتر بشود ولی الحق والانصاف آنهاى که اهل حدیث هستند می دانند «قلة العیال أحد الیسارین» معنایش، تشویق به فرزند کمتر نیست این با سیره اهل بیت (ع) سازگار نیست، با حرفهای دیگر اهل بیت (ع) سازگار نیست. همین یکی، دو تا روایت هم که پیدا کردیم سریع مانور دادیم. مردم ما را این طوری دیدند و به ما کمی بی اعتماد شدند. آقا شما آن موقع همه اش روایت و آیه می آوردید که بچه کمتر، زندگی بهتر. الان این طوری. من فکر می کنم سیره مقام معظم رهبری این جا برای ما می تواند الگو باشد و بگوئیم اشتباه کردیم، ببخشید. حالا که اشتباه کردیم چه کار کنیم؟ حالا این دلایل متقن و مستند وجود دارد برای اینکه ما جمعیت مان دارد کاهش پیدا می کند در یک دوره ای باید متوقف می شد که نشد ببخشید ما را.





این مسئله‌ی افزایش نسل و اینها جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه‌ی مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره‌ی آن فرهنگ‌سازی کنند . بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام ۹۱/۵/۳